

کوچه‌ی زنبورک‌خونه

(رمان تاریخی)

(د. بررسی تاریخ اجتماعی شیراز قدیم، سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۳۲)

دکتر مصطفی ندیم

عضو هیأت علم دانشگاه شیراز

نشر رخسید

۱۳۹۵

سرشناسه	: ندیم، مصطفی، ۱۳۳۹.
عنوان و نام پدیدآور	: کوچه‌ی زنبورک‌خونه: رمان تاریخی در بررسی تاریخ اجتماعی شیراز قدیم، سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۳۲ / مصطفی ندیم.
مشخصات نشر	: شیراز رخشید ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ ص: مصور، عکس.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۲۳-۶۵-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: داستان‌های فارسی — قرن ۱۴ Persian fiction -- ۲۰th century
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ن ۳۶ / PIR۸۳۶۲
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۳/۶۲
شماره کتابشناسی	: ۴۴۶۹۹۹۴



مرکز نشر: شیراز، لوار پاس، کوچه ۱۱ / تلفن: ۰۹۱۷۱۰۳۱۸۴۳
رایانامه: mojtaba.jafari.5@yahoo.com

کوچه‌ی زنبورک‌خونه

(رمان تاریخی در بررسی تاریخ اجتماعی شیراز قدیم، سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۳۲)

دکتر مصطفی ندیم

ناشر: رخشید

آماده‌سازی کتاب: سید مجتبی جعفری زرج

طرح جلد: حمید روزی طلب

لیتوگرافی چاپ و صحافی: مجتمع چاپ دنیا

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۲۳-۶۵-۶

ISBN: 978-600-5723-65-6

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۵	به یاد پدر
۲۷	بوی خاطره
۲۸	کوچه هفت پیچ
۴۰	بوی پاییز
۴۱	ذوق پرواز
۵۰	کوچه زنبورک خونه
۵۳	گلگشت مصلی
۶۳	درخت افرا
۶۶	چاه مرتاض علی
۷۴	زردی و ماهی
۷۸	بوسه و آبشار
۸۰	گل یاس

۸۲	 بیا جون دلی نا
۸۷	 مدرسه ناموس
۸۷	 بوی زندگی
۹۳	 دارالسلام
۹۷	 سیف القلم
۱۰۵	 حوض فلکه
۱۰۶	 حبه ناز
۱۰۹	 خنای عمه
۱۱۵	 کاروان و پارس
۱۱۸	 طاق دروازه قرآن
۱۲۱	 سبز چشمی برادر
۱۲۳	 عروسی نارنج
۱۲۶	 رخت برون خانم خانما
۱۲۷	 خونچه برون خانم خانما
۱۳۱	 یلدا و قصه خارکن
۱۳۴	 لوطی و عنترش
۱۳۷	 خاله مومو
۱۴۰	 هوو هوو دارک
۱۴۳	 حمام مهر
۱۴۴	 سال مرگ، سال سیاه
۱۴۹	 روزهای مه گرفته

۱۵۲.....	گذر علمدار، گذر آخر
۱۵۴.....	سرفه مونس تنهایی
۱۵۶.....	نسیم یاد
۱۵۷.....	معلمی، زیباترین آغاز
۱۶۵.....	ستاره من
۱۶۶.....	یاران و یاری در التیام غصه ها
۱۷۰.....	نوروز حجب، پدر
۱۷۲.....	ازدواج پرسشی بی پاسخ
۱۷۵.....	مدرسه صناعی، کرچه قراولخونه
۱۷۷.....	زنده باد دروازه قرآن
۱۷۸.....	ملخ ها می تازند
۱۸۰.....	سمپاشی ملخ ها در سال ۱۳۳۰
۱۸۱.....	گل‌های کاغذی، دستان رضا
۱۸۳.....	محلات جدید، شهری جدید
۱۸۳.....	ازدواج
۱۸۶.....	باران و بوی دمپخت
۱۸۸.....	رایحه عروسی و بوی آواز
۱۹۲.....	زیباترین پایان
۱۹۸.....	پایان آخر

◆ مقدمه

از نوجوانی به نوشتن داستان علاقه داشتم. شاید خواندن داستان‌های فراوان ایرانی و غیر ایرانی در این عرصه نقش داشت و شاید تعریف کردن خاطرات روزانه برای نزدیکان و تشویق پدر و مادر من به نوشتن علاقمند کرد. هر چه بود در خانه‌ای بزرگ شدم که خواندن و نوشتن جزئی از زندگی بود. در سال ۱۳۵۹ در کلاس داستان‌نویسی استاد ابوالقاسم فقیری شرکت کردم. یکی از همکلاسی‌های من، شیراز، در این کلاس عبدالرحیم ثابت از جوانان بسیار باذوق و پرتلاش بود و نمی‌دانم چرا داستان‌نویسی را ادامه نداد اگرچه هم اکنون دکتر ثابت تالیفات باارزشی در مورد فرهنگ عامه شیراز را به دست آورده است.

به دلیل انتخاب شغل معلمی و رفتن به روستایی دور از شیراز و اقامت در آنجا، رفتن به کلاس داستان‌نویسی عمری نکرد اما همین مدت کوتاه نیز برایم بسیار پربار بود. در داستان‌نویسی لحن داستان اهمیت زیادی دارد و بنظرم معلم داستان‌نویسی غیر از توانایی و دانش داستان‌نویسی باید لحن گفتارش نیز دلنشین باشد و استاد فقیری در دورا داشت هم دانش داستان‌نویسی و هم لحنی دلنشین و گویا. اگرچه لحن داستان با لحن بیان تفاوت دارد. سالها از آن خاطره کوتاه اما مانای رفتن به کلاس داستان‌نویسی می‌گذرد. در این مدت چند داستان کوتاه نوشتم اما مشغله کاری در دانشگاه و تدریس و تحقیق و بررسی پایان‌نامه و رساله دانشجویی مرا از داستان‌نویسی دور کرد، با اینحال خواندن داستان در شب‌های تابستان ادامه داشت هرچند هرگز مانند گذشته نبود.

در سفر به برزیل که در کتاب خاطرات برزیل (شیراز در نامه‌های برازیلیا) از آن به عنوان،

"همه برکت" یاد کرده‌ام، در وقت تنهایی دوباره به داستان‌نویسی و شیوه نوشتن داستان روی آوردم. به دنبال بازگشت به این آرزوی سالهای دور، دو کتاب اخیرم خیابان کریم خان زند و کتاب یاد شده با همین سبک داستانی نوشته شد. کتاب خیابان کریم خان زند ترکیبی از بررسی تاریخی و توجه به اسناد و سبک رمان گونه و کتاب دوم با توجه بیشتر به سبک رمانی و از نوع مستند نگاری است و اینک این کتاب نخستین تجربه من در نوشتن اثری با رویکردی به شیوه داستان‌نویسی مستند نگاری است.

به بیان دیگر این اثر را می‌توان یک رمان تاریخی نیز دانست. تقریباً تمامی شخصیت‌های این نوشته جز یکی دو نفر واقعی هستند. اتفاقات و رخدادها نیز همه واقعی و تاریخیست. این اثر مستند نگاری است از آن جهت که خاطرات مادرم از سن شش سالگی تا بیست و شش سالگی را در بر می‌گیرد. تاریخ نیست از آن جهت که به دلیل مغفول ماندن حوادث مهم تاریخی و اجتماعی در این دو دهه. به آن حوادث توجه شده است. در کتابهای تاریخ شیراز از حادثه مهم حصه شیراز در سال ۱۳۲۲ کمتر سخن رفته است. نگارنده تنها در بررسی اسناد، چند سند مربوط به این حادثه یافتم که در طی سال‌های در مجله تاریخ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز به چاپ رسیده است. همچنین ماجرایی که من و دوستانم در آن زمانها مانده است و برخی آداب و رسوم مربوط به عروسی و یا عزا و تفریحات زنانه آن دوره.

در مورد شخصیت پردازی و دیگر عوامل داستان‌نویسی سخن نمی‌گویم و قضاوت را بر عهده خوانندگان می‌گذارم، اما در این داستان به زن و نقش وی در تاریخ اجتماعی ایران توجه داشته‌ام و همچنین بر این نکته اصرار دارم که باید تاریخ اجتماعی ایران را در شهرهای ایران و از جمله شیراز که به آن دلبستگی خاصی دارم به رشته تحریر درآید و از بهترین شیوه‌های بازگویی آن بصورت رمان تاریخی است. امیدوارم که در این عرصه بتوانم تاثیر گذار باشم.

سخن آخر اینکه برآتم انشالله اگر توفیق رفیق یار باشد تاریخ اجتماعی شهر و دیارم شیراز را از زمان معاصر به سوی گذشته به رشته تحریر درآورم اما در نگارش این آثار به سبک و سیاق خاصی پایبند نیستم چنانکه کتاب نخست با نام خیابان کریمخان زند شیراز با ترکیبی از خاطره

و تاریخ نگاری اسنادی نوشته شده است. این کتاب شیراز را بین سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۴ مورد بررسی قرار می دهد. در کتاب حاضر شیراز بین سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۳۲ مورد بررسی قرار گرفته است. سالهای مغفول مانده در این بین چنان کوتاه است که به لحاظ تاریخ اجتماعی نادیده گرفتنشان مهم نیست و خلایی ایجاد نمی کند. این کتاب را با شیوه مستند خاطره ای نوشته ام. در کتاب اولم گوشه ای از کتاب حاضر بیان شده است. در این کتاب نیز در مورد کتابی که در حال آماده کردن مقدمات آن هستم نامی به میان آمده است. انشالله در کتاب بعد شیراز در سالهای ۱۲۵۰ تا ۱۳۰۰ ه.ش مورد بررسی قرار می گیرد. نام این کتاب با نام پهلوان معروف شیرازی همراه خواهد بود. مقدمات کتاب که تحقیق اسنادی و میدانی است رو به اتمام است و به نتایج بالایی رسیده ام. در مورد شیوه نگارش این پهلوان نامه سبک خاصی را انتخاب نکرده ام. انشالله از زمان ذهنم به فریاد رسیده و از دریچه ای آن کتاب را آغاز خواهم کرد. از فریادرس نیز غافل نیستم چه پیش آید.

در مورد نام کتاب ابتدا نام نوری در خانه انتخاب کرده بودم که هم نام مادرم است و هم اینکه از او به عنوان نور در خانه پدریم یاد می شد. مادر آنجا که غیر از توجه ام به مادر و زن ایرانی، به شیراز و تاریخ اجتماعی آن معطوف می شود و همان که گفته شد برآتم سلسله وار تاریخ این شهر را بازگو کنم، نام کتاب را تغییر دادم. کتاب اوا در شیراز و خیابان زند است و وقایع این خیابان و نظری به شیراز در چند دهه گذشته و این کتاب کوچه زنبورک خونه نام گرفت و وقایعی که از این کوچه و کوچه موازی آن یعنی کوچه کدخد شریع می شود. در این مورد نیز نظرات آقای سیدمجتبی جعفری زوج ناشر محترم که فردی بادوق قریحه هستند بی تأثیر نبود. با سپاس از ایشان.

مانند همیشه دوستان خوبی مرا از راهنمایی های ارزنده شان برخوردار کردند. دو دوست عزیزم آقایان حمید روزیطلب و بابک طیبی کتاب را خواندند و نظرات با ارزشی بیان داشتند. بیش از این دو عزیز، دوست خوبم آقای بیژن کیا پس از سالها مرا با دنیای داستان نویسی آشتی داد. لحن بیژن و دانش او در داستان نویسی در عین جوانی شوق برانگیز است. اگر به قول بیژن

کیا من خیلی پرکار هستم و هر چه او می‌گوید سریع انجام می‌دهم بیش از همه برخاسته از شوق انگیزی اوست. خوب می‌خواند، خوب می‌فهمد و خوب راهنمایی می‌کند و خوبتر از همه خوب انگیزه می‌دهد. از همه مهمتر آنکه در شیوه نگارش این کتاب و ساختار آن برای مدتی دچار سردرگمی شده بودم تا آنجا که کتاب برای چهار بار تغییر کرد تا اینکه به پیشنهاد بیژن قرار شد کتاب سه شنبه‌ها با مورای را مطالعه کنم و این پیشنهاد بسیار راهگشا شد و مسیر ساختار داستان را یافتم و همین شد که ژانر مستند نویسی خاطره‌ای را برای نگارش این کتاب انتخاب کردم. بیژن مرا به راستی رهین منت خود ساخت، از این سه عزیز سپاسگذارم و برایشان آروزی تن درستی و سربلندی دارم.

مصطفی ندیم

اردیبهشت ۱۳۹۵ - شیراز جنت طراز